

تأثیر صفات الهی در نهج البلاغه و بوستان سعدی

آسیه گودرزی نژاد*

چکیده

بعد از قرآن کریم نهج البلاغه حکیمانه‌ترین کتابی است که به صورت کلامی نافذ و پرمعنی برای ما مسلمانان به یادگار مانده است. این گنجینه‌ی معنوی بر بزرگان ادبی کشور ما نیز تأثیرات به‌سزایی داشته است. در این مقاله کتاب بوستان سعدی مورد بررسی قرار گرفت و مواردی که سعدی از سخنان گهر بار حضرت علی (ع) از نهج البلاغه و غررالحکم و درر الکلم استفاده کرده و از کلام ایشان بهره برده است، مشخص شد و مورد بررسی و توضیح قرار گرفت. اما دریافت کلام حکیمانه‌ی اهل حکمت، سرمایه‌ای کلان می‌خواهد که نگارنده در حد بضاعت خود به آن پرداخته است. ضمناً در ابتدای هر موضوعی در صورت امکان آیه‌ای از قرآن کریم آورده شده است.

کلیدواژه‌ها: بوستان سعدی، کلام حضرت علی (ع)، صفات الهی، تأثیر پذیری، ماندگاری آثار.

* عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سروستان.

تاریخ دریافت: ۸۹/۱۱/۱۸، تاریخ پذیرش: ۹۰/۴/۱۷

goodarzi.4531@gmail.com

مقدمه

هر ملتی به سرمایه‌های خود (اعم از مادی و معنوی) می‌نازد. یکی از سرمایه‌های جاودانی و افتخارآمیز ما ایرانیان سروده‌های شاعران و سخنوران و عارفان ایرانی مسلمان است و راز ماندگاری نام بسیاری از این بزرگان، استفاده از کلام الهی و ائمه هدی در سروده‌ها و نوشته‌هایشان است. آن‌ها به صورت اشاره، تلمیح، اقتباس، تضمین، تحلیل، قصص، و تمثیل‌های گوناگون از کتاب قرآن کریم و سخنان بزرگان دینی استفاده کرده‌اند. استاد سخن، سعدی، در سخن گویی چنین شیوهی عالمانه را بر می‌گزیند. سعدی در حقیقت به خوبی از این میراث استفاده کرد و استعداد با شکوه ادبی، او را یاری کرد و به خوبی آن را ساخته و پرداخته کرد و با بیانی تازه آن را ارائه کرد (خالدیان، ۱۳۸۹: ۲۵).

خداوند جان آفرین

«به نام خداوند جان آفرین» (بوستان ص ۳۳).

سعدی کتاب بوستان خود را با صفتی از خداوند آغاز می‌کند که حیات و زندگی را به همه‌ی کاینات می‌بخشد، در قرآن کریم، ۲۰ مرتبه واژه‌ی «یحیی: زنده می‌کند» ۵ بار «یحیی‌کیم: شما را زنده می‌کند» آمده است. حضرت علی (ع) در نهج‌البلاغه پس از بیان مراتب خلقت جسم انسان می‌فرماید:

«ثم نفخ فیها من روحه: پس از دم خود به آن دمید (جان داد)» خطبه ۱ ترجمه دکتر

شهیدی ص ۴

یا فرموده‌اند: «ذلک مبتدع الخلق و وارثه: «اوست آفریننده و اختراع کننده‌ی خلاق بی

سابقه و مانند. (خطبه ۸۹ فراز ۲ ترجمه دکتر شهیدی).

و نیز می‌فرمایند: «فلسنا نعلم کنه عظمتک الا انا نعلم انک حی قیوم».

«ما حقیقت عظمت و بزرگی تو را نمی‌دانیم، مگر آنکه می‌دانیم، تو زنده‌ای هستی که همه چیز به تو قائم و باز بسته است» (خطبه ۱۵۹ فراز ۴).

خداوند بخشنده

با تفکر عمیق در صفات خداوند عزوجل در می‌یابیم که حتی گفتن صفات رحیمه‌ی خداوند به انسان آرامش عجیبی می‌بخشد. یکی از این صفات که انسان را از دلهره و اضطراب و تشویش نجات می‌دهد، ذکر صفت بخشندگی خداوند است. حضرت علی (ع) خداوند را با همین صفت چنین ستایش می‌کند:

«الحمد لله النا شرفی الخلق فضله، و الباسط فیهم بالجوید».

«ستایش خداوندی را سزااست که احسان فراوانش برآفریده‌ها گسترده و دست کرما و برای بخشش گشوده است.» (خطبه ۱۰۰ فراز ۱ ترجمه دشتی).

یا فرموده‌اند: «هو المنان به فوائد النعم»: «اوست بخشنده‌ی انواع نعمت‌ها» (خطبه ۹۱ فراز ۲).

سعدی با الهام از همین سخنان چنین می‌گوید:

«خداوند بخشنده‌ی دستگیر کریم خطاپوش پوزش پذیر»

(بوستان ص ۳۳)

و در جای دیگر می‌سراید:

«و گر در دهد یک صلا‌ی کرم عزازیل گوید نصیبی برم»

(بوستان ص ۳۹)

خداوند بخشنده کسی را که دست حاجت به سویش دراز کند ناامید باز نمی‌گرداند و کسی را دست تهی نمی‌گذارد در قرآن مجید ۱۴ مرتبه کلمه «اعطی» و مشتقات آن آمده

است. حضرت علی (ع) می‌فرماید: «من سأله اعطاه:» هر کس که از او (خداوند) بخواهد عطایش نماید» (خطبه ۹ ترجمه دشتی).

سعدی با اشاره به این کلام حضرت علی (ع) چنین سروده است:

«مجال است گر سر برین در نهی که باز آیدت دست حاجت تهی» (بوستان ص ۳۸۱).

خداوند بخشاینده

بخشنده‌گی به معنی دادن نعمت است اما بخشاینده‌گی به معنی عذر پذیری و رحم کردن است این صفت رحیمه‌ی خداوند نیز باعث آرامش انسان می‌شود این صفت همراه با بخشندگی خداوند در قرآن همیشه همراه است. خداوند حتی در کیفر انسان‌های گناهکار تعجیل نفرموده است حضرت علی (ع) در نهج‌البلاغه می‌فرماید: «لم يعاجلك بالنقمة... و لم يؤيسك من الرحمة».

«در کیفیت شتاب نفرموده ... و در بخشایشت نومید نگردانیده است.» (نامه ۳۱ فراز ۶۷

و ۶۸).

سعدی با همین مضمون چنین می‌گوید:

«نه گردنکشان را بگیرد به فور نه عذر او ران را براند به جور»

(بوستان ص ۳۴)

خداوند پرده پوش

علم خداوند بر همه چیز محیط است و خداوند از هیچ چیز حتی ذره المثقالی هم ناآگاه نیست. با وجود این علم و آگاهی، خداوند ستارالعیوب است و اگر چنین نبود، چه بسا مرگ بهتر از زندگی می‌شد. حضرت علی (ع) می‌فرماید: «لم يفضحك حيث الفضيحة بك

أولی».

«آنجا که رسوا شدند سزاست پرده‌ها را ندرد.» (نامه ۳۱ فراز ۶۶).

سعدی با همین مضمون، پرده پوشی خداوند از روی حلم را چنین می‌سراید:

«دو کونش یکی قطره از بحر علم گنه بیند و پرده پوشد به حلم»

(بوستان ص ۳۵)

یا در جای دیگر:

«پس پرده بیند عمل‌های بد همو پرده پوشد به آلائی خود»

(بوستان ص ۳۹)

خداوند حاضر و ناظر، آنچنان پرده پوشی می‌کند که غیر از او کسی لایق چنین صفتی

نیست. حضرت علی (ع) می‌فرماید:

«الحذر الحذر! فوالله لقد ستر، حتی کانه قد غفر: «هشدار! هشدار! به خدا سوگند،

چنان پرده پوشی کرده که پنداری تو را بخشیده است!» (حکمت ۳۰، ترجمه دشتی).

خداوند توبه پذیر

سعدی در ادامه‌ی شمردن صفات خداوند، توبه‌پذیری خداوند را هم بیان کرده است.

«و گر خشم گیرد ز کردار زشت چو باز آمدی ماجرا رد نوشت»

(بوستان ص ۳۴)

و در جای دیگر می‌گوید:

«خداوند بخشنده‌ی دستگیر کریم خطاپوش پوزش پذیر»

(بوستان ص ۳۴)

این اشعار برگرفته از این کلام مولاست که:

«لم يمنعك ان اسأت من التّوبه: اگر گناه کردی از توبهات منع ننموده است» (نامه ۳۱ فراز ۶۵).

خداوند روزی دهنده

در قرآن کریم آمده است: «انّ الله هو الرّزاق ذوالقوّه المتین: «همانا خداست روزی دهنده‌ی توانای نیرومند» (ذاریات / ۵۸).

همچنین در قرآن کریم ۵ بار «خیر الرّازقین: بهترین روزی دهندگان» و ۱ بار «الرّزاق» و دیگر مشتقات واژه‌ی رزق که بارها تکرار شده است. این تکرارها برای این است که بندگان یقین کنند که تنها روزی دهنده و تنها رزاق بی منت خداست. اوست که با گناه و اشتباه ما، روزی را قطع نمی‌کند. دوست و دشمن روزی خوار او هستند. با یقین به این صفت خداوند، دوری انسان از حرص و طمع و تملق و دروغ و ... واجب می‌آید. چون خداوند به هر کس که بخواهد و هر گونه که بخواهد می‌بخشد و کسی را بی روزی نمی‌گذارد. حضرت علی (ع) می‌فرماید:

«فقسم بینهم معایشهم، و وضعهم من الدّنيا مواضعهم».

«روزی بندگان را تقسیم کرد و هر کدام را در جایگاه خویش قرار داد.» (خطبه ۱۹۳ فراز ۲).

و چقدر گیرا و دلنشین سعدی با استفاده از کلام وحی و سخنان حضرت علی (ع) در مورد حضرت رزّاق سروده است:

«ادیم زمین سفره‌ی عام اوست بر این خوان یغما چه دشمن چه دوست»
(بوستان ص ۳۵)

در خطبه‌ای دیگر حضرت علی (ع) بخشنده‌گی و رزّاق بودن خدا را چنین بیان می‌کند:

«لقسم عیاله الخلائق، ضمن ارزاقهم و قدر اقواتهم».

«اوست تقسیم کننده‌ی روزی پدیده‌ها، مخلوقات همه جیره خوار سفره‌ی اویند که روزی همه را تضمین کرده و اندازه‌اش را تعیین فرموده است.» (خطبه ۹۱ فراز ۲).
سعدی با همان شیوایی و رسایی و فصاحت خاص خودش بسیار زیبا از این سخن بهره می‌برد:

«چنان پهن خوان کرم گسترد که سیمرغ در قاف قسمت خورد»

(بوستان ص ۳۶)

حال با این توصیفات همیشه برای ما انسان‌ها که نهان‌ها را نمی‌دانیم و مصلحت‌ها را با علم اندک خود می‌شناسیم این سؤال است که چرا خداوند به بعضی از مردم روزی بیشتر و بعضی کمتر داده است؟ و با توجه به اینکه به عدالت خداوند شک نداریم باز این سؤال در ذهن همه است. حضرت علی (ع) در جواب این سؤال در خطبه‌ی ۹۱ می‌فرماید:

«وقدر الرزاق فكثرها و قللها؛ و قسمها علی الضیق و السعة فعدل لیبتی من.

أراد به میسورها و معسورها».

«و روزی‌ها را مقدر کرد، برخی اندک و برخی فراوان، دسته‌ای در تنگی و دسته‌ای در فراخ و آسانی، قسمت کرد به عدالت تا آن را که خواهد بیاماید در زندگی آسان یا دشوار و بیاماید سپاس و شکیبایی را در توانگر و نادار.» (نهج البلاغه ترجمه دکتر شهیدی خطبه ۹۱ ص ۸۳ و ۸۲).

و سعدی چنین بهره برده است:

«یکی را به سر برنهد تاج و بخت یکی را به خاک اندر آرد ز تخت.

کلاه سعادت یکی بر سرش گلیم شقاوت یکی در برش»

(بوستان ص ۳۸)

و در آخر، خداوند، روزی دهنده‌ی تمام آفریدگان است هر کس که زنده باشد روزی‌اش بدست خدای عزوجل است. همان‌گونه که حضرت علی (ع) می‌فرماید: «و من عاش فعلیه رزقه: هر که زنده باشد روزی‌اش با اوست.» (نهج‌البلاغه ترجمه شهیدی خطبه ۱۰۹ ص ۱۰۲).
و سعدی چنین بیان می‌دارد:

«مهیا کن روزی مار و مور اگر چند بی دست و پایند و زور»

(بوستان ص ۴۲)

خدای دانای راز

هیچ چیز از خداوند پنهان نیست چنانکه در آیات متعدّد قرآن (بروج: ۲۲، یونس: ۱۶، آل عمران: ۵، غافر: ۱۹، حدید: ۴، رعد: ۸، یس: ۷۹ و ...).

به این صفت خداوند و علم بی انتهای او اشاره شده است، به طور نمونه در آیه‌ی ۳ سوره‌ی سبأ آمده است: «... عالم الغیب لایعزب عنه مثقال ذره فی السموات و لا فی الارض و لا اصغر من ذلك و لا اکبر الا فی کتاب مبین».

«او بر غیب آگاه است و از علم او، به قدر ذره‌ای نه در آسمان‌ها و نه در زمین، پنهان نیست و چیزی کوچک‌تر از آن و بزرگ‌تر از آن نیست، جز آن که در کتاب آشکار (لوح محفوظ) ثبت است.» (سبأ / ۳).

حضرت علی (ع) در نهج‌البلاغه در بیشتر خطبه‌های خود و همچنین در بعضی از نامه‌ها، این صفت.

خداوند را متذکّر می‌شود. (خطبه‌های ۱۰۸ و ۱۱۴ و ۱۳۲ و ۱۹۱ و ۱۹۸ و ۱۲ و ۱۸۷) و همچنین در غررالحکم و درر الکلم که سخنان گهربار حضرت علی (ع) می‌باشد نیز این صفت ذکر شده است. به طور مثال چند نمونه از نهج‌البلاغه و غررالحکم و درر الکلم در اینجا ذکر می‌کنیم: «خرق علمه باطن غیب السّترات، و أحاط به غموض عقائد السّریرات».

«علم او درون پرده‌های غیب را شکافت، و بر عقیدتهای نهفته و رازهای پنهان احاطه یافت.» (نهج البلاغه ترجمه شهیدی خطبه ۱۰۸ ص ۱۰۰).

یا: «قسم ارزاقهم و أحصی آثارهم و أعمالهم و عدد أنفاسهم و خائنة أعینهم؛ و ما تخفی صدورهم من الضمیر؛ و مستقرهم و مستودعهم من الأرحام و الظهور إلى أن تتناهی بهم الغایات».

«روزی آنان را قسمت کرد؛ و کردار و رفتارشان برشمرد: از نفس‌ها که زند، و نگاه‌های دزدیده که کنند، و رازهایی که در سینه‌ها پنهان دارند، و جایگاه آنان در زهدان‌های مادران و یا پشت پدران تا آنگاه که عمرشان سر رسد و اجلشان در رسد.» (خطبه ۹۰ ترجمه دکتر شهیدی).

یا: «و به راستی که خدای سبحان نزد آنچه پنهان کرده هر انسانی در درون خود و گفتار هر گوینده و عمل هر عمل‌کننده حاضر و بدان آگاه است.» (غررالحکم و دررالکلم ص ۸۹).

یا: «هر پنهانی نزد خدا آشکار است» (غررالحکم ص ۸۹).

گفتار استاد سخن، سعدی از این مفهوم بی بهره نبوده است:

«بر احوال نا بوده علمش بصیر به اسرار نا گفته لطفش خبیر»

(بوستان ص ۳۰)

یا:

«بر او علم یک ذره پوشیده نیست که پیدا و پنهان بنزدش یکی است»

(بوستان ص ۴۲)

یا: «تو دانی ضمیر زبان بستگان» (بوستان ص ۳۸).

خداوند کرم گستر، کار ساز، دارای خلق، دانای راز

سعدی چهار صفت خداوند را در یک بیت آورده است:

«لطیف کرم گستر کارساز که دارای خلق است و دانای راز»

(بوستان ص ۳۷)

عقل‌ها از حد و نهایت صفات بی کران الهی ناآگاه و وهم‌های انسان‌ها به کنه صفات الهی ناتوان است. با این حال، زبان تمام آفریدگان اقرار بر لطف بی انتهای خداوند دارند کلام علی (ع) به کرات با توصیف خداوند منان آغاز می‌شود. چند صفتی که سعدی در بیت بالا از خداوند نام برده است در کلام امیر المومنین علی (ع) چنین بیان شده است:

کرم گستر

خداوند متعال می‌فرماید: «فان کذبوک فقل ربکم ذورحمه واسعه و لا یردّ باسه عن القوم المجرمین: اگر تو را تکذیب کردند، بگو «پروردگار شما رحمتی گسترده دارد و عذاب او در مجرمین دفع نمی‌شود.» (انعام / ۱۴۷).

«و اتسعت رحمته» «رحمت او فراگیر است» (خطبه ۹۰ ترجمه دکتر شهیدی).

و یا: و ما أسیغ نعمک فی الدنیا: چه فراگیر است نعمت تو در این جهان». (خطبه ۱۰۹

ص ۱۰۳ ترجمه دکتر شهیدی).

کارساز

«لم یزل قائماً دائماً إذ لا سماء ذات أبراج: کار جهان را اداره نموده، هنگامی که نه از

آسمان نشانی بود و نه از ستارگان» (خطبه ۹۰ ترجمه دکتر شهیدی).

خداوند دارای خلق

«و ذلك مبتدع الخلق و وارثه و إله الخلق و رازقه»: «او پدید آورنده‌ی آفریدگان و وارث همگان است. خدای آنان و روزی دهنده‌ی ایشان است» (خطبه ۹۰ ترجمه دکتر شهیدی).

خداوند اجابت کننده

هر کدام از صفات خداوند گنجینه‌ای از معرفت برای شناخت او است. خداوند رحیم و رحمان در قرآن مجید به ما اطمینان داده است که همواره به ما نزدیک است و دعای ما را می‌شنود و آن را می‌پذیرد و اجابت می‌کند. در سوره‌ی بقره آمده است:

«و إذا سالک عبادی عنی فانی قریب اجیب دعوہ الدّاع إذا دعان. فلیستجیبوا لی و لیؤمنوا بی لعلّهم یرشدون: «هرگاه بندگان من از تو در مورد من سؤال کنند، همانا من به آنها نزدیک هستم و دعوت دعاکنندگان را اجابت می‌کنم، پس باید دعوت مرا اجابت کنند و به من ایمان آورند تا شاید به رشد و سعادت برسند.» (بقره / ۱۸۶).

و حضرت علی (ع) می‌فرمایند: «به کسی که توفیق و اذن دعا داده شده است از اجابت آن محروم نخواهد ماند» (غرر الحکم ص ۳۶۱).

سعدی آموخته‌ی خود را از قرآن و کلام حضرت علی (ع) چنین بیان می‌دارد:
«تضرع کنان را به دعوت مجیب» (بوستان ص ۴۰).

خدای قادر و توانا

در مورد قدرت خداوند همین بس که در قرآن مجید بیان شده است:
«إنّما أمره إذا أراد شیئاً أن یقول له کن فیکون: همانا اگر او چیزی را اراده کند فرمان او این است که: «موجود شو» پس موجود می‌شود» (یس / ۸۲).

حضرت علی (ع) نیز در مورد قدرت خداوند در کتاب گهر بار خویش چنین می‌فرماید:
«وانقادت له الذنیا و الآخرة بأزمتها، و قذفت إليه السماوات و الأرضون مقالیدها و سجدت له بالغدو و الأصال الأشجار الناضرة».

«دنیا و آخرت، خدا را فرمان بردار است؛ و سر رشته‌ی هر دو به دست او است. آسمان‌ها و زمین‌ها کلیدهای خویش را به او سپردند؛ و درختان شاداب و سرسبز صبحگاهان و شامگاهان در برابر خدا سجده می‌کنند.» (خطبه ۱۳۳ ترجمه دشتی).
 و یا در جایی دیگر می‌فرماید: **«و کلّ قادر غیره به قدر و تعجز: هر قدرتمندی جز او ناتوان و ضعیف است.»** (خطبه ۶۵ فراز ۲ ترجمه دشتی).

سعدی هنرمندانه این مضمون‌ها را در اشعار خود جای می‌دهد:

«پرستار امرش همه چیز و کس بنی آدم و مرغ و مور و مگس»

(بوستان ص ۳۶)

«تو دانایی آخر که قادر نیم توانای مطلق تویی من کیم»

(بوستان ص ۳۸)

خدای خالق، خدایی است که همه چیز را بدون نمونه می‌سازد، او خدایی است که آسمان‌ها و زمین را از نیستی و عدم پدید آورد، الگو و مثالی نداشته و کسی هم نمی‌تواند نمونه‌ی آن را بسازد، او خدایی است که به فرموده‌ی حضرت علی (ع) یکباره آفرید همه چیز را:

«أنشأ الخلق إنشاءً؛ و ابتداءً ابتداءً».

«آفرینش را آغاز کرد و آفریدگان را به یک‌بار پدید آورد.» (خطبه ۱ فراز ۹ ترجمه دکتر

شهیدی).

سخن امام علی (ع) و کلام الهی چنان با شیوایی در شعر سعدی منعکس شده است که

به محض خواندن شعر، آن سخنان گهربار را در ذهن یادآوری می‌کند:

«به امرش وجود از عدم نقش بست که داند جز او کردن از نیست هست؟»

(بوستان ص ۴۲)

خداوند ضدی ندارد

«بری ذاتش از تهمت ضد و جنس» (بوستان ص ۳۶).

ذات خداوند متعال منزّه است از هر تشبیه و تضاد و تمثیل، خداوند را فقط با لطف او و نشانه‌های او می‌توان شناخت، با صفات و آفریده‌های او می‌توان شناخت، حضرت علی (ع) می‌فرماید:

«بمضادته بین الأمور عرف أن لا ضد له».

«و از اینکه برخی آفریده‌ها را ضد دیگری آفرید، نبودن ضدی برای او دانسته گردید.»

(خطبه ۱۸۶ فراز ۴ ترجمه دکتر شهیدی).

همه‌ی آفریده‌ها ضدی دارند و این دلیلی است برای اینکه خداوند که آفریننده‌ی همه ضدهاست خود از داشتن ضد پاک و منزّه است.

خدای بی نیاز از اطاعت

گاهی انسان‌های نادان به محض اینکه مشکل یا سختی در زندگی‌شان به وجود می‌آید روی از خدا برمی‌گردانند و واجبات خود را کنار می‌گذارند، غافل از اینکه خداوند هیچ نیازی به اطاعت و عبادت آن‌ها ندارد. آن‌ها با عقل ناقص خود می‌خواهد با خداوند مقابله کنند، در صورتی که اطاعت ناقص ما هیچ چیزی را بر خداوند افزوده نمی‌کند، بلکه این ما هستیم که محتاج عبادت و اطاعت از خداوند هستیم. هر روز و هر لحظه باید خداوند بلند مرتبه را شاکر باشیم که نماز را وسیله‌ای برای تقرب ما بندگان به درگاه او قرار داده است. حضرت

علی (ع) در این مورد خداوند را چنین ستایش می‌کند:

«لاینقص سلطانک من عصاک ، و لایزید فی ملکک من أطاعک».

آن که فرمان تو نبرد از قدرتت نکاهد و آن که تو را مطیع باشد، بر ملک تو نیفزاید».

(خطبه ۱۹ فراز ۳ ترجمه دکتر شهیدی).

سعدی این سخن حضرت علی (ع) را چنین بیان می‌کند:

«غنی ملکش از طاعت جن و انس» (بوستان ص ۳۶).

فرو ماندن در کنه ذات خداوند

بر طبق حدیث نبوی: «تفکروا فی آلاء الله و لاتفکروا فی ذات الله».

«در نعمت‌های خداوندی بیندیشید اما در ذات او اندیشه نکنید»

تفکر در کنه ذات حضرت باری تعالی نهی شده است و این نهی از توصیف و تفکر دلیل

بر عدم شباهت آن ذات مقدّس با مخلوقات - در عین اتصالش به آن‌ها - می‌باشد. حضرت

علی (ع) در جای جای نهج‌البلاغه و کلام غزایشان این مسئله ی توحیدی را بیان می‌کند:

«لم یطلع العقول علی تحدید صفته: «عقل‌ها را بر حقیقت ذات خود آگاه نساخته.» (خطبه

۴۹ فراز ۲ ترجمه دشتی).

یا:

«هو القادر الذی إذا ارتمت الأوهام لتدرک منقطع قدرته و حاول الفكر المبرأ من

خطرات الوسوس أن یقع علیه فی عمیقات غیوب ملکوته، و تولهت القلوب إلیه، لتجری

فی کیفیه صفاته و غمضت مداخل العقول فی حیث لا تبلغه الصفات لتناول علم ذاته ردعها

و هی تجوب مهاوی سدف الغیوب متخلّصه إلیه سبحانه فرجعت أذجهت معترفه بأنه

لاینال بجور الاعتساف کنه معرفته».

«او توانایی است که اگر وهم ما چون تیر پَران شود تا خود را به سرحدّ قدرت او رساند و

اندیشه‌ی مبرا از وسوسه بکوشد تا سمند فکرت به ژرفای غیب ملکوتش براند و دل‌ها خود را در راه شناخت صفات او سرگشته و شیدا گرداند؛ و باریک اندیشی خرد خواهد تابه صفات او نرسیده ذات وی را داند، دست قدرت بازش گرداند. چه خواهد پرده‌های تاریک غیب را درد و راه به ساحت خدای بی عیب برد. آنگاه پیشانی خورده باز گردد و به خردی خود اعتراف کند. «(خطبه ۹۱ فراز ۱۲ ترجمه شهیدی).

یا: «فتبارک الله الذی لا یبلغه بعد الهمم، و لا یناله حدس الفطن».

«برتر و بزرگ است خدایی که اندیشه‌های ژرف، حقیقت ذات او را نمی‌توانند درک کنند، و گمان زیرک‌ها آن را نمی‌یابد.» (خطبه ۹۴ فراز ۱ ترجمه دشتی).

یا: «الباطن به جلال عزته عن فکر المتوهمین».

«با بزرگی و ارجمندش، از اندیشه‌ی خداوندان وهم برکنار است.» (خطبه ۲۱۳ ترجمه دکتر شهیدی).

یا: «والزادع أناسی الأبصار عن أن تناله أو تدرکه: دیده‌ها را نگذارد تا بدو تواند رسید؛ یا عظمت و بزرگی او را تواند دید» (خطبه ۹۱ فراز ۴ ترجمه دکتر شهیدی).

یا: «لا تقع الأوهام له علی صفة: نه پندارها برای او صفتی داند» (خطبه ۸۵ فراز ۱ ترجمه شهیدی).

یا: «الذی لا یدرکه بعد الهمم و لا یناله غوص الفطن».

«خدایی که افکار ژرف اندیش، ذات او را درک نمی‌کنند و دست غواصان دریای علوم به او نخواهد رسید» (خطبه ۱ فراز ۲ ترجمه دشتی).

یا: «ولا تحیط به الأبصار و القلوب: چشم‌ها و قلب‌ها بر او محیط نمی‌شود» (خطبه ۸۵ ترجمه دشتی).

و در جای جای نهج البلاغه حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) ناتوانی انسان نسبت به

شناخت ذات الهی را بیان می‌دارد. تأثیر سخنان حضرت علی (ع) را در چند بیت زیر از بوستان به خوبی می‌توان مشاهده نمود:

«جهان متّفق بر الهیّتش	فرومانده در کنه ماهیّتش
بشر ماورای جلالش نیافت	بصر منتهای جمالش نیافت
نه بر اوج ذاتش پرد مرغ و هم	نه در ذیل وصفش رسد دست فهم
در این ورطه کشتی فرو شده هزار	که پیدا نشد تخته‌ای بر کنار»

(بوستان ص ۴۳)

«محیط است علم ملک بر بسیط	قیاس تو بروی نگردد محیط
نه ادراک در کنه ذاتش رسد	نه فکرت به غور صفاتش رسد
توان در بلاغت به سبحان رسید	نه در کنه بی‌چون سبحان رسید»

(بوستان ص ۴۴)

استاد سخن سعدی شناخت کنه ذات اقدس الهی را با همان زبان شیوا و دلنشین خود و با تأثیر بی نظیر خود از کلام مولا چنین می‌داند:

«نه هر جای مرکب توان تاختن که جاها سپر باید انداختن»

(بوستان ص ۴۵)

که اشاره به این سخن حضرت علی (ع) می‌تواند داشته باشد:

«فاقتصر علی ذلک، ولا تقدّر عظمه الله علی قدر عقلک فتکون من الهالکین».

«پس بدین بس کن! و بزرگی خدای سبحان را با میزان خرد خود مسنج، تا از تباه

شدگان مباشی.» (خطبه ۹۱ فراز ۱۲ ترجمه دکتر شهیدی).

و در ادامه، سعدی می‌گوید:

«که خاصان در این ره فرس رانده‌اند به لاحصی از وی فرو مانده‌اند»

(بوستان ص ۴۵)

که اشاره به این سخن مولا علی (ع) دارد: «و لا یحسی نعماءه العادون: شمارگران شمردن نعمت‌های او ندانند.» (خطبه ۱ فراز ۱ ترجمه دکتر شهیدی).

بی عیب بودن کلام خداوند

قرآن دلیل روشن و نور روشنگر است، قرآن نسخه‌ی شفافبخش است و بهترین و مطمئن‌ترین راه برای رسیدن به خداست، قرآن بیانگر همه چیز است. کلام الهی آنقدر استوار است که با وجود گذشت حدود ۱۴ قرن از نزول قرآن هنوز پرده‌هایی ناگشوده دارد. سخنی است که تاکنون کسی نتوانسته و نمی‌تواند نمونه‌ای از آن را بیاورد هیچ‌کس نتوانسته است ایرادی بر آن بیاورد. حضرت علی (ع) در نهج‌البلاغه می‌فرماید:

«و علیکم به کتاب الله... لایعوج فیکام و لا یزیغ فیستعتب «و لا تخلقه کثره الرد» و ولوج السمع».

«و بر شما باد عمل کردن به قرآن... کجی ندارد تا راست شود و گرایش به باطل ندارد تا از آن بازگردانده شود و تکرار و شنیدن پیاپی آیات، کهنه‌اش نمی‌سازد.» (خطبه ۱۵۶ فراز ۷ و ۸ ترجمه دشتی).

و سعدی بی عیب بودن کلام الهی را چنین می‌سراید: «نه بر حرف او جای انگشت کس» (بوستان ص ۴۰).

اقرار جهان و جهانیان به الهی‌ات خداوند

تمام آفریده‌های خداوند نشان وجود حضرت لایزال الهی است. از کوچک‌ترین تا

بزرگ‌ترین موجودات همه با نظمی خاص (که فقط خداوند می‌تواند آفریننده‌ی آن‌ها باشد) آفریده شده است آنقدر این نظم و خلقت، بی نظیر است که منکران هم زبان به اقرار می‌گشایند و به گفته‌ی سعدی:

«جهان متفق بر الهیتش» (بوستان ص ۴۳).

که اشاره به این سخن حضرت علی (ع) دارد:

«فهو الذی تشهد له و أعلام الوجود علی إقرار قلب ذی الجحود».

«اوست که نشانه‌های هستی بر او گواه پیدا است، و زبان دل منکر بدین حقیقت

گویاست.» (خطبه ۴۹، فراز آخر، ص ۴۳ ترجمه دکتر شهیدی).

لزوم تواضع همه در برابر خداوند

«و اهدیک الی ربک فتخشى: و تو را به خدایت هدایت کنم تا در درگاه پروردگارت خاشع

شوی» (نازعات ۱۹).

سعدی از سر بیرون کردن نخوت و بزرگی همه‌ی بزرگان را در این بیت چنین سروده

است:

«به درگاه لطف بزرگش بر بزرگان نهاده بزرگی ز سر»

(بوستان ص ۳۹)

حضرت علی (ع) تواضع و خشوع در برابر خداوند را در کلام پربارش چنین آورده است:

«تعنو الوجوه لعظمتک سرها برابر بزرگی او فرو افتاده» (خطبه ۱۷۹ فراز آخر ص ۱۷۸

ترجمه دکتر شهیدی).

هر چقدر شناخت خداوند و صفات او بالاتر رود انسان در مقابل خداوند متواضع‌تر می‌شود

انسان‌های عارف در مقابل خداوند خضوع و خشوع بیشتری نسبت به مردم عامی دارند.

خشم خدا

«اگر بر جفا پیشه بشتافتی کی از دست قهرش امان یافتی؟»

(بوستان ص ۳۶)

فعل شرطی است و مراد بیت این است که اگر خداوند در مجازات ستمکاران تعجیل می‌کرد، هیچ کس از قهر او در امان نبود، لکن خداوند از باب رحمت، به ستمکاران فرصت می‌دهد تا مگر اعمال خود را تدارک کنند.

سعدی در این بیت سخت بودن خشم خدا را بر انسان‌های جفا کار توصیف کرده است و همچنین حضرت علی (ع) می‌فرماید: «هو الذی اشتدت نقمته: خدایی که کیفر او بر دشمنانش سخت است». (خطبه ۹۰ ص ۷۳).

سعدی در بیتی دیگر خشم خدا را چنین بیان می‌کند:

«به تهدید اگر بر کشد تیغ حکم بمانند کروبیان صم و بکم»

(بوستان ص ۳۹)

نتیجه

ذکر کلام الهی یا صفات الهی می‌تواند به نثر نویسنده یا شعر شاعر زیبایی ببخشد اما اگر شاعر یا نویسنده، خود استادی بی‌بدیل همانند سعدی باشد کلام، شیواتر و رساتر خواهد شد. همچنان که یکی از مهم‌ترین دلایل ماندگاری کلام او در طی قرن‌ها همین امر بوده است.

کتابنامه

- قرآن کریم، ۱۳۷۹. ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای. نشر روح.
- قرآن کریم، بی تا. همراه با کشف الایات بی سابقه. با تجوید و ترجمه. اسکندری، حسین. ۱۳۸۱. آیه‌های زندگی. تهران: سروش.
- خالدیان، محمدعلی. ۱۳۸۹. «تأثیر پذیری سعدی از راغب اصفهانی». فصلنامه علمی - پژوهشی ادبیات تطبیقی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد جیرفت، سال چهارم، شماره‌ی دوازدهم.
- خزائلی، محمد. ۱۳۷۲. شرح بوستان. تهران: چاپخانه محمد حسن علمی.
- دشتی، محمد. ۱۳۸۴. ترجمه نهج البلاغه. قم: انتشارات سبط النبوی.
- رسولی محلاتی، سید هاشم. ۱۳۸۷. شرح و ترجمه غررالحکم و درر الکلم. تهران: دفتر فرهنگ اسلامی.
- فیض الاسلام اصفهانی، سید علی نقی. ۱۳۷۵. ترجمه نهج البلاغه. تهران: انتشارات فقیه.
- شهیدی، سید جعفر. ۱۳۷۶. ترجمه نهج البلاغه. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- مخملی، احمد. ۱۳۸۲. راهنمای کشف موضوعی آیات قرآن. تهران: انتشارات کتاب یوسف.